

## وسایست‌های درازمدت استکبار جهانی

عدم جذب سرمایه های انباشته شده در کشورهای امریالیستی سبب گشت تا آنها برای بدست آوردن منافع بیشتر و استفاده از سرمایه های راكد خود مبادرت به وابسته کردن کشورها نوع جدیدی نمایند. تا در سایه امنیت ناشی از استبداد حاکم بر کشورهای جهان سوم بتوانند منافع بیشتری را به یغما ببرند و امریکا که نسبت به کشورهای سرمایه داری دیگر، دارای سرمایه های راكد بیشتری بود بعد از جنگ جهانی دوم توانست سرکردگی قدرت های استکباری جهان را در اختیار بگیرد و از آن زمان تاکنون این سمت شیطان را عهده دار است و در اغلب حوادثی که در این مدت اتفاق افتاده نقش امریکا بخوبی در آنها مشهود است و کمتر حادثه ای است که امریکا جایی در آن نداشته باشد. در این مدت قتل و غارت، استثمار و استثمار، سرکوب و اختناق، خون مکیدن و خون ریختن و پدیده هایی از این نظیر ارمغان سرکردگی این شیطان می باشد.

سناهاست که امریالیسم جهان خوار امریکا این دشمن قسم خورده خلقهای مستضعف شریانهای اقتصادی و حیاتی قسمت بزرگی از جهان منجمله ایران را زیر سلطه همه جانبه خود قرار داده است. امتیازات و تبعیضات انحصاری، غارت مواد خام، تصرف قلمروها، در بند کشیدن مردم بومی، ناسیونالیسم، زراد پرستی، میلناریسم - همگی پدیده هایی هستند که دقیقاً با امریالیسم همانند دانسته شده اند.

هر جا که بونی از انسانیت باشد یا آزاده ای بپاخیزد یا ملتی قیام کند با گروهی قد علم کنند، وظیفه امریالیسم سرکوب آن است و این جزو خصلت امریالیسم غارتگر می باشد.

از آنجا که کشورهای جهان سوم در مقایسه با کشورهای پیشرفته در کلیه زمینه ها عقب نگه داشته شده اند، لذا امریالیسم با سیطره خود بر تمام بخش های اقتصادی، سیاسی جهان سوم زمینه لازم برای تسلط خود را آماده میکند.

علل محاصره اقتصادی -

دندان به غرب، ترویج فرهنگ غرب و از بین بردن استعدادها می باشد. علت محاصره اقتصادی در نفس وجودی امریالیسم نهفته است. امریالیسم در برخورد با کشورهای دیگر فقط به فکر منافع خویش بوده و میزان عمل برای رابطه با کشورهای جهان منافع و مصالح اوست طبیعی است هنگامیکه ملتی به مقابله با او برخیزد استکبار با تمام توان سرکوبی آن ملت می پردازد. چون پیدایش استکبار ناشی از غارت و به استثمار کشیدن خلق ها بوده و نمی تواند از خصلت وجودی خود عدول کند.

اگر نگاهی کوتاه به برخوردهای امریالیسم با کشورهای تحت سلطه بیفکنیم به این نتیجه خواهیم رسید که هر جا منافع ملی یک کشور مطرح باشد امریالیسم بعنوان قیم جهان سرکوبی آن مبادرت میورزد کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سرکوبی نهضت ۱۵ خرداد و سقوط دیکتاتوری شاه امریکائی و همچنین لشکر کشی به ویتنام، کره، کوبا و سرنگونی حکومت های ملی در گوانتالا، شیلی و دیگر کشورهای جهان سوم همه حکایت از دخالت بی مورد این غول جهانخوار می باشد.

دخالت امریالیسم در نیمه دوم قرن بیستم مشابه قرنهای ۱۸ و ۱۹ نیست که بصورت نظامی وارد عمل شود (۱) بلکه سعی می نماید نیروهای وابسته بخود را در کشورها بر سریر قدرت آورد و مقاصد خود را از طریق آنها به نتیجه برساند. زیرا این مسئله از یک طرف سبب میگردد که خود مستقیماً وارد عمل نشده و در ثانی مردم کشورهای تحت سلطه اقدامات انجام شده را مربوط به رژیم حاکم بر آن کشور که خود از مردم آن کشور می باشد، بدانند و این شیوه برتری چشم گیر نسبت بشیوه قبلی امریالیسم دارد.

اولین اقدامی که امریالیسم در کشورهای تحت سلطه انجام میدهد بدست گرفتن قدرت است و یا در اختیار گرفتن قدرت، کلیه بنیانهای اقتصادی آن کشور را در جهت منافع خود هدایت میکند.

پیشرفت علم و صنعت و تکنولوژی در سطح جهان و نیاز بیش از حد کشورهای جهان سوم به

پیشرفتهای علمی سبب گشته که امریالیسم تا حد امکان از این مسئله استفاده کند و کشورهای مربوطه را چنان وابسته بخود نماید که هرگاه یکی از آنها به استقلال سیاسی رسید و از حیثه نفوذ آن خارج شد وابستگی های اقتصادی آن کشور آزاد شده همچنان محتاج به امریالیسم نگهدارد و نیل به استقلال کامل را برایش دشوار سازد.

میدانیم که در زمینه صنایع کشاورزی و صنعتی، امریالیسم هیچگاه صنایعی را که نفع و مصالح مردم آن کشور باشد در اختیار آنها نمیگذارد بلکه با اعطاء صنایع مونتاژ به کشورهای تحت سلطه آنها را از بیخ و بن بخود وابسته می نماید. امریالیسم برای این منظور ابتدا، کشاورزی آن کشور از بین برده بدین طریق که:

الف - اقتصاد چند محصولی آنها را به تک محصولی مبدل میکند.

ب - با سرازیر کردن روستائیان به شهرها از یک طرف برخیل بیکاران افزوده و از طرف دیگر سبب کاهش تولید محصولات کشاورزی میگردد و سپس با اعطای صنایع مونتاژ در زمینه صنعتی نیز آنها را وابسته می نماید.

علل محاصره اقتصادی در ایران نیز خارج از ضوابط و معیارهای گفته شده نیست، از دست دادن ایران برای امریکا که زمانی ژاندارم خلیج فارس بود آسان نیست و علاوه بر آن امریکا از طریق ایران برای سرکوبی نهضت های منطقه خاورمیانه استفاده می برد. اعزام واحدهایی از ارتش ایران به ظفارگویای این مسئله است.

ایران در دوران شاه خاتن روزانه ۶ میلیون بشکه نفت با قیمت ناچیز به انحصارهای غربی میفروخت و همچنین بازاری برای ورود کالاهای غربی بود انقلاب اسلامی ایران برای امریکا و وابستگانش ارزان تمام نمیشود که بسادگی از ایران دست بردارد.

حال برای آشنایی بیشتر به عملکرد امریکا در ایران به نمونه های آماری اشاره کرده و سپس علل آنرا بیشتر بسط می دهیم

سال	واردات		صادرات		تفاوت در ارزش تغییرات درصد
	ارزش به هزار ریال	مقدار به تن	ارزش به هزار ریال	مقدار به تن	
۱۳۳۴ - ۱۳۳۳	۹/۱۲۵/۴۳۶	۵۰۷/۸۷۳	۸/۰۳۳/۷۲۶	۱/۰۹۱/۷۱۰	-۱۲
۱۳۳۵ - ۱۳۳۴	۲۰/۰۸۱/۲۸۸	۲۶۳/۵۲۹	۷/۹۳۰/۶۱۰	۱۲/۱۵۰/۶۷۸	۶۱
۱۳۳۸ - ۱۳۳۷	۴۱/۶۳۰/۱۳۵	۳۹۷/۲۲۱	۷/۷۰۱/۰۱۷	۳۳/۲۹۹/۱۱۸	۸۲
۱۳۳۹ - ۱۳۳۸	۵۲/۶۵۷/۱۳۹	۴۴۶/۳۰۷	۸/۳۵۹/۷۸۵	۴۴/۲۹۷/۲۶۴	۸۴



در سال ۱۹۷۰ در حدود ۲۷/۷ درصد کل نفت خام خاور میانه و ۸/۳ درصد کل نفت جهان در ایران تولید میشده. انحصارهای نفتی کوشیده اند تا ایران را کماکان در ردیف کشورهای تولید کننده نفت خام قرار دهند مثلاً در سال ۱۹۷۰ با اینکه کل تولید خالص نفت خام به ۱۹۱/۴ میلیون تن بالغ گردید. تصفیه نفت فقط به میزان ۲۷/۵ میلیون تن بود تولید گاز در ایران نیز سیر صعودی داشته و در این جا باز کنسرسیوم نقش تعیین کننده دارد.

تولید گاز در ایران (به میلیون متر مکعب)  
 سال ۱۹۶۵ ۱۰۸۸۶  
 سال ۱۹۷۰ ۱۷۳۵۵  
 ۱- کنسرسیوم بین المللی نفت  
 تولید ۱۴۳۶۹  
 مصرف ۳۴۸۳  
 سوخته شده ۱۰۸۸۶  
 ۲- شرکت ملی نفت ایران  
 تولید ۷۰  
 مصرف ۲۰  
 سوخته شده ۵۰  
 برای اطلاع بیشتر نسبت به چپاول منابع نفتی ایران به مکانیسم تجزیه قیمت یک بشکه نفت می پردازیم

۳۴ و صادرات سال ۵۶ بیفکتیم معلوم میشود که ارزش کالاهای صادراتی در سال ۵۶ به نصف سال ۳۴ میرسد. از طرف دیگر صادرات ایران در سالهای

چنانچه مشاهده میشود در سال ۳۴ اختلاف میان صادرات و واردات ناچیز ولی این فاصله در ظرف چند سال به بیش از ۴۰ برابر میگردد. ۲

موازنه بازرگانی خارجی (۳)

سال	ارزش کالاهای صادراتی به قیمت ثابت	ارزش کالاهای وارداتی به قیمت جاری	ارزش کالاهای صادراتی به قیمت ثابت	ارزش کالاهای وارداتی به قیمت ثابت	کسری موازنه بازرگانی خارجی ایران
۱۳۵۴	۵۹۲	۱۱,۶۹۶	۵۷/۲	۱۱,۶۹۶	-۱۰,۶۲۴/۲
۱۳۵۵	۵۴۰	۱۲,۷۶۶	۳۳۱/۳	۱۲,۷۶۶	-۱۱,۱۰۰/۸
۱۳۵۶	۶۲۵	۱۴,۶۲۶	۴۴۴/۸	۱۴,۶۲۶	-۱۱,۳۴۰/۸
۱۳۵۸	۸۱۲	۹,۶۹۵	۴۴۷/۱	۹,۶۹۵	-۵,۴۵۴/۳
۱۳۵۹	۷۱۸	۱۱,۴۹۹	۳۰۷/۰	۱۱,۴۹۹	-۵,۳۶۵/۹
جمع	۲,۰۸۶/۳۱	-۴۶,۱۳۶/۳			

۵۸ و ۵۹ نسبت به سالهای قبل افزایش چشم گیری داشته.  
 در فاصله ۱۲ سال میزان نفت صادره ۵۱۲۱ برابر افزایش می یابد.

چنانچه مشاهده میشود، ارزش کالاهای وارداتی در سالهای ۵۸ و ۵۹ در کشور یکمرتبه به نصف سالهای قبل میرسد و اینجاست که امپریالیسم ساکت نمی تواند بنشیند اگر مقایسه ای بین صادرات سال

مقدار و ارزش مواد نفتی صادره در چند سال گذشته ۴۱

سال	مقدار به هزار تن	ارزش به میلیون ریال	درآمد ایران از درآمد نفت به میلیون ریال	درصد درآمد ایران از نفت نسبت به ارزش صادرات نفت
۱۳۳۱	۱۴	۱۲	-	-
۱۳۳۲	۲۳۹	۲۶۳	-	-
۱۳۳۳	۳,۳۳۳	۲,۰۰۸	-	-
۱۳۳۲	۶۴,۴۶۸	۶۷,۲۸۶	۲۹,۱۰۰	۴۳
۱۳۳۳	۷۱,۶۹۹	۷۴,۸۵۰	۳۶,۱۰۰	۴۸

درصد بکل	اجزاء سازنده قیمت
۲/۳	هزینه تولید نفت خام
۶/۷	درآمد کشور دارنده نفت
۶/۹	سود خالص شرکتهای نفتی
۵/۵	حمل و نقل
۴/۵	هزینه تصفیه
۲۱/۴	توزیع و واسطه ها
۵۲/۳	مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم کشورهای مصرف کننده

چنانکه مشاهده میشود فقط ۶/۷ درصد درآمد نفت نصیب کشور دارنده نفت میشود و بقیه به کیسه امپریالیستها سرازیر میگردد. حالا ما نباید انتظار داشته باشیم که امپریالیسم کاری بکار ما نداشته باشد، این غیر ممکن است. برای پی بردن به ضربه سنگینی که در زمینه نفتی به امپریالیسم وارد آمده به آمارهای قبل و بعد از انقلاب توجه می کنیم.

بخش نفت در گروههای اقتصادی ایران در سال ۱۳۳۳ بمیزان ۱۱/۷ درصد بود ولی در سال ۵۶ به میزان ۳۲/۵ درصد افزایش یافت. ولی از نظر ارزی ۹۰٪ منبع ارزی کشور می باشد. امپریالیسم با غارت طلای سیاه از یکطرف و تک محصولی کردن اقتصاد ایران از طرف دیگر ضربه مهلکی به استقلال اقتصادی ایران وارد آورد.

در زمینه کشاورزی بتدریج واردات ما افزایش و صادرات، کاهش یافت، بطوریکه تمامی کالاهای ضروری و بسیاری کالاهای غیر ضروری را از خارج وارد کردیم، ارقام صادرات و واردات کشور طی سلطه حکومت پهلوی نشان دهنده افزایش سرسام آور کالاهای و کمبود کالاهای در کلیه بخش های کشاورزی است.

متوسط صادرات نفت ایران در سالهای (۵۶-۵۹) (۵)

سهم (درصد)	درصد تغییر		۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
	۵۹	۵۸					
۰	۰	-	-	-	۲۰۸۷	۲۰۲۷	۱- شرکتهای وابسته به کسرسیوم سابق
۶۸/۲	۸۴/۲	-۷۵/۸	۵۳۳	۲۲۰۵	۱۱۹۳	۱۵۰۱	۲- فروش مستقیم از خارک
۳۰/۸	۱۵/۶	-۴۱/۵	۳۳۸	۴۰۷	۱۷۵	۲۸۸	۳- از مناطق دریائی
							۴- شرکتهای مختلف نفتی
	۶/۸	-		۱۷۹	۸۵	۱۵۶	الف- ایپاک
	۱/۴	-		۳۶	۱۴	۱۹	ب- سیرپ
	۴/۸	-		۱۲۵	۶۳	۸۸	ج- لاپکو
	۱/۳	-		۳۳	۱۳	۲۵	دال- اینیوکو
				۳۳	-	-	ه- سوفیران
			۹۱۴	۲۸۴۷	۳۶۵۸	۵۰۲۹	جمع کل صادرات نفت ایران

## اولین اقدام امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه بدست گرفتن قدرت می باشد.

جدول خالص واردات و صادرات محصولات کشاورزی و مواد غذایی (قبل از انقلاب) (۶)  
(وزن به هزار تن - ارزش به میلیون ریال)

	۱۳۵۶	۱۳۵۵	۱۳۵۴
ارزش واردات	۱۴۹,۷۲۰	۱۱۲,۹۶۵	۱۴۱,۳۳۵
ارزش صادرات	۲۴,۱۸۴	۱۹,۶۹۲	۲۰,۸۷۱
خالص واردات	۱۲۵,۵۵۶	۹۳,۲۷۳	۱۲۰,۴۶۴
وزن واردات	۴,۷۹۲	۳,۱۲۴	۳,۹۶۳
وزن صادرات	۳۶۸	۲۹۲	۴۱۲
خالص واردات	۴,۴۲۴	۲,۸۳۲	۳,۵۵۱

واردات محصولات اساسی مانند گندم، جو، فرمت، برنج و روغنهای نباتی و قند و شکر و گوشت قرمز در سالهای مذکور افزایش سریعی داشته که این مسئله حاکی از مرگ کشاورزی ایران می باشد. به جدول زیر توجه کنید

واردات محصولات عمده کشاورزی (۷)  
(واحد به هزار تن - ارزش به میلیون ریال)

درصد تغییر	سال ۱۳۵۸		سال ۱۳۵۷		
	وزن	ارزش *	وزن	ارزش	
-	۳۱/۲	-	۹۵۸	۹,۷۸۷	گندم
۵۷	۵۴/۹	۱,۱۹۶	۱۳۳	۲,۷۸۳	جو
۱۳۲/۵	۸۰/۸	۸,۳۳۳	۶۹۸	۲,۵۸۴	فرمت
۶۵/۵	۲۳/۳	۱۴,۵۲۸	۳۷۱	۸,۷۹۱	برنج
۶/۳	-۱۳/۱	۸,۸۴۱	۶۶	۹,۴۴۰	گوشت قرمز
۹/۸	-۱۲/۵	۱,۱۶۲	۱۴	۱,۲۸۹	مرغ
۳۲/۲	۵/	۱,۲۶۵	۹	۲,۳۳۷	تخم مرغ
۶۶/۲	۳۵/۶	۱۶,۳۷۶	۲۸۲	۹,۸۴۴	روغنهای نباتی

چنانکه مشاهده میشود پس از انقلاب صادرات نفتی از طریق شرکتهای وابسته به کسرسیوم بطور کلی قطع و کلیه فروش نفت خام ایران مستقیماً توسط وزارت نفت صورت می گیرد. از مقایسه ارقام جدول مذکور به چند نتیجه می

رسیم  
۱- میزان صادرات نفت به یک ششم قبل از انقلاب میرسد  
۲- صادرات نفت توسط خود ایران صورت می گیرد  
۳- ۵۰٪ تولید مناطق دریائی توسط خود ایران صورت می گیرد که در قبل از انقلاب حتی ۲ درصد از کل تولید نفت را ایران استخراج نمیکرد  
۴- قیمت نفت از ۱۱ دلار به بیش از ۳۰ دلار میرسد  
چنانکه میدانیم صادرات نفت ایران از سال ۱۲۸۱ شمسی شروع شد و در سال مزبور مقدار آن فقط ۱۰۹ تن به ارزش ۷۲۰۰۰ ریال و در سال ۱۳۵۵ به میزان ۲۹۴/۰۰۰/۰۰۰ تن و در سال ۵۶ سهم درآمد ایران از نفت به ۲۴ میلیارد رسید. سهم

در سال ۱۳۳۳ اختلاف میان صادرات و واردات کشور ولی این فاصله در هر یک از بخش های کشاورزی و صنعتی و خدماتی...

با مقایسه دوجداول فوق واضح است که میزان واردات بعد از انقلاب اسلامی در قیاس با قبل از انقلاب به شدت کاهش یافته. بطوریکه واردات کالاهای عمده بخش کشاورزی در سال ۵۸ نسبت به کل واردات محصولات کشاورزی و غذایی در سال ۵۶ بیش از ۶۰٪ کاهش نشان میدهد و این ضربه ایست مهلک بر پیکر امپریالیسم و وابستگی.

برای آشنایی بیشتر به مکانیسم غارت غرب چند نمونه نیز از عملکرد آنها در زمینه صنایع ایران می آوریم.

سرمایه گذاری غارتگران غرب و وابستگان آنها در کشورهای دیگر با رعایت چند نکته همراه می باشد.

- ۱- در جهت وابستگی آنها باشد تا در بلندمدت کشورهای غارتگر بتوانند منافع سرشاری نصیب خود گردانند.
- ۲- بازدهی سرمایه زیاد باشد.
- ۳- در صنایع مصرفی و غیر ضروری باشد.
- ۴- در صنایع پایه (مادر) به هیچ وجه سرمایه گذاری نکرده و هیچ کمکی نیز در این زمینه نمی کند.

سهم کشورهای صنعتی در تامین ماشین آلات و تجهیزات مورد نیاز صنایع کشور بر حسب رشته های تولید در قبل از انقلاب (۸)

صنایع چوب و ساخت محصولات چوبی	صنایع نساجی پوشاک، جرم و پوست	ماشین آلات محصولات فلزی	مواد غذایی آشامیدنیها و دخانیات	آلمان غربی	انگلستان	ایتالیا	امریکا	فرانسه	ژاپن	سایر کشورها	کل
۴۲/۸	۲۵/۱	۲۱/۷	۲۷/۶	۳۳/۳	۱۳/۲	۷/۲	۱۲/۲	۷/۲	-	۲۵/۷	۱۰۰
۲/۹	۱۵/۴	۱۳/۲	۱۳/۸	۶/۷	۱۷/۷	۱۵/۸	۲/۹	۶/۹	۴/۵	۲۶/۷	۱۰۰
۲۷/۸	۷/۶	۹/۶	۷/۲	۱۳/۳	۱۲/۴	۲۹	۱/۹	۳/۳	۳/۸	۲۱/۶	۱۰۰
۲۸/۶	۲۸/۹	-	۷/۲	۱۳/۳	۱۳/۳	۷/۶	۱۳/۹	-	۳/۸	۲۱/۶	۱۰۰
-	۶	۳	۷/۲	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۰
-	۶/۹	۴/۵	۷/۲	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۰
۲۵/۷	۲۵/۲	۴۲	۳۲	۲۶/۷	۲۶/۷	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۱۰۰

بیکره های زیر که در زمینه عملکرد امپریالیسم در ایران بدان اشاره شد تنها نمونه ها و شواهدی از غارتگریهای آنها در ایران می باشد. بیکره های مطرح میشود مزید این سخن است که امپریالیسم بخش های کشاورزی، صنعتی (نفت - صنایع مونتاژ) کشور ما را همانند سایر کشورهای تحت سلطه یا به تابودی برده و یا وابسته بخود نموده است.

لازم به توضیح نیست که صنایع ایران مونتاژ بوده و همانطور که از بیکره فوق برمی آید سهم کشورهای غارتگر در تامین مواد اولیه مورد نیاز صنایع ایران بین ۵۸ تا ۷۹ درصد در نوسان می باشد و مشارکت آنها صرفاً بخاطر منافع و ماهیت صنایع مونتاژ می باشد.

**ایران در دوران شاه**  
**خانم روزانه ۶ میلیون**  
**بشکه نفت با قیمت ناچیز به**  
**انحصارهای غربی**  
**میفروخت و همچنین**  
**بازاری برای ورود کالاهای**  
**غربی بود.**

انگیزه محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران انتقامی است از قطع منافع امپریالیسم که قطع کامل منافع خود در ایران را مشاهده کرد و در پی بهانه ای بود تا آنرا وسیله قرارداده و ضربه نهایی را بر انقلاب اسلامی وارد نماید و بدین وسیله از گروگان گیری جاسوسانش سود ببرد و ایران را باغی و اوباش معرفی کرد و کسوری دانست که به مقررات بین المللی احترام نیگذارد و عده ای ساده اندیش نیز علت محاصره اقتصادی را در گروگان گیری جاسوسان امریکائی میدانند. ولی حقیقت این است که محاصره اقتصادی ما از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و از موقعی که خلق مستضعف ما با فریاد خود مرگ رژیم امریکائی ایران را اعلام کردند و شهید شدند شروع شد. چون امپریالیسم رژیم های وابسته را برای منافع خود می خواهد و حمایتش نیز به همین خاطر است. لذا هنگامیکه رژیم وابسته در معرض سقوط قرار می گیرد امپریالیسم به هر چه و وسیله سعی در حفظ آن می نماید و موقعی که نتوانست آنرا نگه دارد به لطایف الحیل تنگناهای لازم را برای رژیم نوپای این کشور بوجود می آورد امپریالیسم به محض مشاهده اینکه منافع او در خطر سقوط کامل است و دیگر از شش میلیون بشکه نفت (روزانه) اعطایی به نظام امپریالیستی یاورود بی رویه کالاهای مصرفی یا به ابتذال کشیدن فرهنگ این خله یا زاندارمی خلیج فارس و یا پایگاه جاسوسی او خبری نیست، شروع به درهم کوبیدن نظام نوپای اسلامی کشور ما کرد امپریالیسم امریکا که ایران را فقط با خرج چند میلیون دلار در سال ۳۲ بدست آورده و سالها حکمرانی بر این سرزمین نموده، مایل نیست منافع خود را یکسره از دست دهد، بلکه با محاصره و تهدید در جهت سقوط رژیم اسلامی ما برمی آید.

ویژگیهای محاصره اقتصادی  
 محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دارای ویژگیهایی است که کمتر انقلابی با آن مواجه گردیده است. امریکای جنایتکار در پی اشغال لانه جاسوسی خود در ایران در ۲۴ آبان ۵۹ عدم تحویل یا ارسال کلیه کالاها غیر از مواد غذایی و دارویی را

سرمایه و وام خصوصی وارد شده از طریق مرکز جلب و حمایت سرمایه های خارجی (۹)

(سایر به میلیون ریال)

نام کشور	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	درصد تغییر
هند	-	۵۵	۳۳۲	-
ژاپن	۲،۵۲۴	۳،۸۱۱	۶۸	۹۸/۲
انگلستان	۳۰۲	۳۱۰	۴	۹۸/۷
آلمان	۲۳۸	۳۳۳	۴	۹۸/۸
امریکا	۱،۱۹۷	۱،۰۷۷	۲	۹۹/۸
سایر	۲،۰۸۷	۷۷۹	۲۲	۹۷/۲
جمع کل	۶،۳۴۸	۶،۳۷۵	۳۳۲	۹۳/۲

فوق بزنند

صفحه ۳۳

جهاد